

تجارب ضد تروریسم ایران برای سازمان‌های



دکتر علیرضا رحیمی
عضو هیات علمی دانشگاه

هشتم شهریور ماه در تقویم جمهوری اسلامی ایران به عنوان «روز مبارزه با تروریسم» نام‌گذاری شده است؛ روزی که یادآور یکی از تلخ‌ترین اقدامات تروریستی در سال‌های نخست پس از انقلاب، یعنی شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت ایران است. این مناسبت، خود گواهی بر این واقعیت تاریخی است که ایران از ابتدای شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی، در خط مقدم مواجهه با تروریسم قرار داشته و ظرف بیش از چهار دهه، تجربیاتی گران‌سنگ، بومی و آزموده شده در مقابله با طیف گوناگونی از تهدیدهای امنیتی به دست آورده است.

از سوی دیگر، سازمان همکاری‌های شانگهای از بدو تاسیس، امنیت و مقابله با تهدیدهای سه‌گانه (تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی) را به عنوان یکی از ارکان اصلی فلسفه وجودی خود تعریف کرده است. موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو و همجواری آنها با کانون‌های بحران، اهمیت «ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم» را بیش از پیش نمایان می‌سازد. در این میان، عضویت رسمی جمهوری اسلامی ایران در این پیمان منطقه‌ای، فرصتی کم‌نظیر برای ارتقای توانمندی‌های عملیاتی و اطلاعاتی سازمان فراهم کرده است. در اینجا می‌توان ارزش افزوده و تجرب ویزه ایران برای سازمان همکاری‌های شانگهای را در چند محور کلیدی زیر خلاصه کرد:

اول؛ ایران از نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب با پیچیده‌ترین موج تروریسم شهری و اقدامات خرابکارانه گروهک‌هایی چون منافقین، پژاک و جیش‌الظلم مواجه بوده است. مهار این شبکه‌ها در عمق بافت شهری و منطقه‌ای با اتکا به شبکه‌سازی اطلاعاتی و مشارکت عمومی، دانشی کارآمد در اختیار ایران قرار داده که در سطح منطقه کم‌نظیر است؛

دوم؛ بر خلاف کشورهاییکه مبارزه آنها با تروریسم عمدتاً محدود به اقدامات انتظامی یا اطلاعاتی بوده، ایران کارنامه درخشانی در مواجهه زمینی و متلاشی کردن ساختارهای شبه‌نظامی گروه‌های تکفیری و نوظهوری همچون داعش دارد. این دانش عملیاتی می‌تواند در تقویت راهبردهای میدانی کمیته ضد تروریسم شانگهای بسیار موثر باشد؛

سوم؛ ایجاد ساختار تخصصی و بومی برای تامین امنیت هوانوردی کشوری و کارنامه موفق ایران در خنثی‌سازی مداوم هواپیماهایی‌ها و مداخلات غیرقانونی، یک پروتکل امنیتی کاملاً عملیاتی و آزموده‌شده است که قابلیت انتقال به سایر اعضای سازمان را دارد؛

چهارم؛ درحالی‌که رویکرد غالب برخی کشورها در مواجهه با ناامنی‌های مرزی، رویکردی صرفاً تمرکزگرا و سخت‌افزاری است، ایران تجربه موفقی در سپهرن امنیت مرزها به طوایف، عشایر و نیروهای بومی در مناطق حساس شرقی و غربی داشته است. این الگوی جامعه‌محور مانع نفوذ و ریشه دواندن هسته‌های تروریستی در میان جوامع محلی شده است که می‌تواند برای اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای و به طور خاص کشورهای آسیای مرکزی مثرم‌تر باشد؛

پنجم؛ حضور مستمر ناوگروه‌های رزمی ایران در آب‌های آزاد جهت تامین امنیت خطوط کشتیرانی و مقابله با تهدیدهای و ناامنی‌های دریایی، ظرفیات برجسته‌ای برای حفاظت از مسیرهای ترانزیتی و تجارت بین‌المللی اعضای شانگهای فراهم می‌کند.

در نهایت، بهره‌گیری «ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم سازمان همکاری‌های شانگهای» از تجارب منکثر و متمایز جمهوری اسلامی ایران، نه تنها موجب ارتقای توان پیگیری و خنثی‌سازی تهدیدهای در سطح منطقه می‌شود، این سازمان را در دستیابی به امنیت پایدار و بومی یاری خواهد کرد.

نیوزویک از توافق تا بازگشت به نبرد را بررسی کرد

ایران و آمریکا در پنج سناریو



دنیای اقتصاد: ۶ماه پس از آغاز عملیات نظامی آمریکا علیه ایران، جنگ به مرحله‌ای فرسایشی و پیچیده رسیده است. حملات اولیه آمریکا و اسرائیل ضرباتی را به ایران وارد آورده، اما نه تنها قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران مستحکم‌تر شده، بلکه تنگه هرمز را به مهم‌ترین اهرم چانه‌زنی خود تبدیل کرده است. نشریه نیوزویک در گزارشی با طرح این پرسش که جنگ به کدام سمت می‌رود؟ با کمک کارشناسان مسائل ایران، تحریم‌ها، انرژی و استراتژی نظامی، پنج سناریوی ممکن و پیامدهای منحصر به فرد آنها را بررسی کرده است.

توافق محدود و گام به گام

نخستین و کم‌هزینه‌ترین مسیر، حرکت تدریجی به سوی توافقی محدود درباره تنگه هرمز و آزادی کشتیرانی است. دیدار وزیران خارجه ایران و عمان در تهران برای بررسی ایجاد یک کریدور موقت کشتیرانی و مین‌روبی مشترک، نشانه‌ای از همین مسیر است و انتظار می‌رود مذاکرات درباره یک سازوکار دائمی ناوبری نیز ادامه یابد. آندراس کریگ، کارشناس امنیت خاورمیانه در کاخ کینگ لندن، معتقد است «توافق پاریک هرمز» همچنان محتمل‌ترین مسیر برای مذاکرات گسترده‌تر است. یادداشت تفاهم اسلام‌آباد که در ماه ژوئن میان ترامپ و مسعود پزشکیان امضا شد نیز می‌تواند چارچوبی برای مذاکرات آینده باشد.

تشدید فشار اقتصادی

سناریوی دوم، تشدید فشار اقتصادی آمریکا برای واداشتن ایران به تغییر محاسبات خود است. هدف، قطع آخرین شریان‌های اقتصادی ایران و اعمال فشار بر کشورها و موسساتی است که در تجارت با تهران یا دور زدن تحریم‌ها نقش دارند. با این حال، اثرگذاری این سیاست به برچورد باگشتن با شرکای اصلی ایران، به‌ویژه چین، بستگی دارد. حدود ۸۰ درصد نفت خام در پایی ایران به چین می‌رود و پکن هشدار داده است در صورت هدف قرار گرفتن منافضش، برای حفاظت از آنها اقدام خواهد کرد. از این رو، نه‌تحریم‌ها ممکن است بیشتر ابزار فشار و نمایش قدرت باشند تا عاملی تعیین‌کننده برای تغییر رفتار تهران.

تلاش برای بازگرداندن منطقه

به تهران را باید فراتر از یک بازیانی معمول دیپلماتیک دید.

اظهارات کاظم غریب‌آبادی معاون حقوقی وزیر امور خارجه نشان می‌دهد میانه‌چی‌ها در حال آزمودن این مساله هستند که آیا هنوز می‌توان به چارچوب تفاهم اسلام‌آباد بازگشت یا اینکه شرایط به اندازه‌ای تغییر کرده که باید نسخه‌ای تازه از آن ساخته شود. تهران می‌گوید آمادگی خود را از طریق تفاهم با عمان درباره ترتیبات تنگه هرمز نشان داده، اما بازگشت به مسیر توافقی را منوط به اجرای تعهدات متوقف‌شده آمریکایی‌داند.

این موضع در ظاهر یک اختلاف بر سر ترتیب اجرای تعهدات است، اما در واقع مساله عمیق‌تر است؛ اختلاف تهران و واشنگتن دیگر فقط بر سر بازگشایی هرمز نیست؛ بر سر این است که چه کسی قواعد بازگشایی را تعیین می‌کند. تفاهم ایران و عمان درباره ترتیبات موقت عبور

از هرمز، عملاً همین نقطه را هدف گرفته است.

حاضر است درباره عبور و مرور دریایی به یک سازوکار مشخص برسد، اما نمی‌خواهد این سازوکار به معنای کنار گذاشتن نقش ایران در نظارت و مدیریت تنگه تعبیر شود. برای آمریکا اما پذیرش چنین ترتیبی می‌تواند به معنای به رسمیت شناختن بخشی از اهرمی باشد که واشنگتن تلاش می‌کند آن را از تهران بگیرد.

از این منظر است که خبرهای ۴۸ ساعت گذشته اهمیت پیدا می‌کند. موسسات ردیابی نفت نشان می‌دهد که روزانه حجم قابل‌توجهی از نفت از مسیر جنوبی تنگه هرمز راهی بازارهای جهانی می‌شود. با این حال یک منبع امنیتی ایرانی، ادعای آمریکا درباره عبور حجم زیادی از نفت از مسیر جنوبی تنگه را رد کرده و آن را بخشی از جنگ روانی واشنگتن برای عادی جلوه دادن این مسیر دانسته است. فارغ از اینکه کدام روایت درباره میزان واقعی عبور نفت دقیق‌تر باشد، اصل ماجرا روشن

است: هر دو طرف در حال تلاش برای ساختن یک واقعیت

سیاسی از روی واقعیت میدانی هرمز هستند. آمریکا می‌خواهد نشان دهد بسته بودن مسیر اصلی کروما به معنای اختلال جدی در صادرات نفت نیست و می‌توان مسیرهای جایگزین را فعال کرد. ایران در مقابل می‌خواهد نشان دهد که عبور محدودی می‌سوردی چند نفکشر را نمی‌توان معادل باز بودن عادی هرمز دانست. به همین دلیل، مساله مسیر جنوبی برای تهران صرفاً یک مسیر کشتیرانی نیست؛ تبدیل شدن آن به یک مسیر پایدار و مستقل از ترتیبات ایران می‌تواند بخشی از ارزش

اهرم هرمز را کاهش دهد.

در چنین شرایطی، بعید است آمریکا به سادگی رفع محاصره را در ازای بازگشایی تنگه بپذیرد؛ همان‌طور که تهران نیز بعید است بدون دریافت امتیاز متقابل، کنترل و نظارت خود بر ترتیبات عبور را واگذار کند. هر دو طرف تصور می‌کنند اگر نخستین امتیاز را بدهند، بخشی از



معمای تنگه؛ چه کسی قواعد بازگشایی را تعیین می‌کند؟

زور آزمایی بزرگ بر سر هرمز

۹۹

ممکن است

توافق جدید

از هر مز

شروع شود؛

ایران ترتیبات

مشخصی برای

عبور ایجاد کند

و آمریکا در

مقابل بخشی از

فشار و محاصره

را مرحله‌ای

کاهش دهد.

اهرم چانه‌زنی خود را از دست خواهند داد.

با این حال، همین بن‌بست می‌تواند دیپلماسی را دوباره فعال کند. تفاهم اسلام‌آباد نشان داد که حتی در اوج اختلاف نیز امکان ساختن یک معامله مرحله‌ای وجود دارد. اما شرایط امروز با آن مقطع یک تفاوت اساسی دارد: هر دو طرف اکنون می‌خواهند نتیجه‌ای را که در میدان به دست آورده‌اند، وارد متن توافق کنند. از این منظر، محتمل‌ترین گزینه احیای عین‌به‌عین تفاهم اسلام‌آباد نیست، بلکه چیزی شبیه اسلام‌آباد ۲ اما با شروط تعدیل شده است. ممکن است توافق جدید از هرمز شروع شود؛ ایران ترتیبات مشخصی برای عبور ایجاد کند و آمریکا در مقابل بخشی از فشار و محاصره را مرحله‌ای کاهش دهد. سپس، در صورت پابندی دو طرف، امتیازهای بزرگ‌تر وارد معامله شود.

این مدل به هر دو طرف اجازه می‌دهد بدون اعلام عقب‌نشینی، بخشی از خواسته‌های خود را به دست آورند. تهران نقش خود در امنیت و نظارت هرمز را حفظ و تثبیت خواهد کرد و واشنگتن نیز می‌تواند مدعی شود که امتیازاتش را در برابر اقدام مشخص ایران دریافت کرده است.

اما اگر این مسیر شکست بخورد، بحران وارد مرحله خطرناک‌تری خواهد شد. واشنگتن تلاش خواهد کرد مسیر جنوبی را هرچه بیشتر عملیاتی و قابل اتکا کند و تهران نیز احتمالاً خواهد کوشید نشان دهد که هیچ مسیر جایگزینی بدون در نظر گرفتن نقش ایران نمی‌تواند جایگزین وضعیت عادی هرمز شود. در چنین چرخه‌ای، هر اقدام برای تثبیت مسیر جایگزین می‌تواند از سوی طرف مقابل به‌عنوان اقدامی برای تضعیف اهرم خود تعبیر شود.

با این حال، محاصره به‌تدریجی بعید است طی چند ماه آمریکا را به نتیجه سیاسی مورد نظرش برساند. فشار اقتصادی می‌تواند هزینه‌های ایران را بالا ببرد، اما تبدیل فشار اقتصادی به تغییر رفتار سیاسی، یک رابطه خطی نیست. هر کس هدف واشنگتن صرفاً فرسایش اقتصادی باشد، زمان می‌تواند به سود آن عمل کند؛ اما اگر هدف، وادار کردن تهران به پذیرش یک توافق مشخص باشد، استمرار فشار بدون یک مسیر دیپلماتیک می‌تواند نتیجه معکوس داشته‌باشد. چیزی که در طول نزدیک به ۲ سال گذشته نمایان شده است. به همین دلیل، انتخابات میان‌دوره‌ای گنگ‌ره را نیز نباید به معنای قطعی شدن جنگ بعدی دانست. نقطه خطر زمانی است که دو طرف احساس کنند فرصت مصالحه در حال از دست رفتن است و هر گونه عقب‌نشینی، هزینه سیاسی بیشتری از ادامه بحران دارد؛ آن زمان است که فشار می‌تواند به اقدام نظامی تبدیل شود.

در نهایت، هرمز امروز بیش از آنکه مساله‌ای درباره عبور نفتکش‌ها باشد، آزمونی برای تعیین قواعد نظم جدید در خلیج فارس است. بنابراین مسیر آینده احتمالاً در فاصله میان این دو خواسته تعیین خواهد شد: اگر هیچ کدام نتوانند واقعیت مورد نظر خود را در میدان تثبیت کنند، میز مذاکره دوباره فعال می‌شود و اسلام‌آباد ۲ شکل می‌گیرد؛ اما اگر یکی از دو طرف تصور کند می‌تواند دیگری را با فشار و زمان وادار به عقب‌نشینی کند، هرمز می‌تواند از کارت چانه‌زنی به ماشه تشدید تبدیل شود.

«ولی نصر» در گفت‌وگو با تلگراف و بی‌بی‌سی

جنگ جواب نداد؛ نوبت مذاکره است

حالا، رئیس‌جمهور ترامپ در یک بن‌بست اساسی قرار دارد؛ وی ابتدا کار را با جنگ شروع کرد و وقتی دید که این رویکرد نتیجه‌مند نظرش را به دنبال ندارد به سراغ توافق آتش‌بس رفت. در ادامه، وقتی دید که نمی‌تواند با این روش به خواسته‌هایش برسد از اتمام آتش‌بس و آغاز کارزار فشار اقتصادی سخن به میان آورد. بنابراین، به‌نظرم، ترامپ هم چاره‌ای ندارد جز اینکه به توافق بازگردد. فکر می‌کنم تفاوت الان این است که ترامپ می‌خواهد صرفاً بخش‌هایی از توافق را احیا کند، نه لزوماً کل آن را.

نصر در ادامه گفت‌وگوی خود با تلگراف افزود: من کشوری چون امارات متحده عربی را در حال حاضر به عنوان یک بازیگر بزرگ در مناقشه فعلی نمی‌بینم. اول از همه، باید در نظر گرفت که بیشتر دارایی‌های مسدود شده ایران در امارات نیست. امارات برخی از دارایی‌های ایرانی را که بخشی از پول‌های تجاری دو جانبه بودند مسدود کرده است. از سوی دیگر، بیشتر دارایی‌های مسدود شده ایران در کشورهایمانند قطر، هندو کره جنوبی قرار دارد و در نهایت باید از طریق یک مکانیسم به ایران منتقل شوند. قطر به‌نظر می‌رسد که یکی از کشورهای است که این انتقال را تسهیل خواهد کرد. من فکر می‌کنم رابطه ایران و امارات از همه کشورهای خلیج فارس دشوارتر است. امارات نسبت به ایران بسیار خصمانه‌تر از سایر کشورهای حوزه خلیج فارس است و ادامه وابستگی تجارت ایران به امارات منطقی نیست، هرچند این تغییر ناگهانی نخواهد بود.

نصر همچنین طی گفت‌وگویی با شبکه بی‌بی‌سی با اشاره به کارزار اقتصادی آمریکا علیه ایران عنوان کرد: بر اساس اولیه وزیر خزانه‌داری آمریکا اخیراً گفته، به‌نظر می‌رسد که او بنا دارد تحریم‌هایی را علیه همه به جز خود ایران وضع کند. دلیل این مساله هم این است که واشنگتن اکنون هر تحریمی را که ممکن بود علیه تهران اعمال کرده است. بنابراین به‌نظر می‌رسد که ایده بزرگ کاخ سفید این است که تمامی کشورهای را که با ایران هرگونه تجارتی دارند، مجازات کند. این مدل از تحریم‌های ثانویه ایده‌ای بود که نخستین بار توسط باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۲۰۱۱ مطرح شد. حالا، وزیر خزانه‌داری آمریکا اساساً ایده تحریم‌های ثانویه اوباما را گرفته و می‌گوید که این ابتکار دولت ترامپ است. باید در نظر داشت که با توجه به اینکه ما قابلیت‌های ایران برای تلافی را مشاهده کرده‌ایم، تهران ممکن است برای مقابله به سراغ امارات متحده عربی، قطر، عربستان سعودی، عراق برود و نفت همه‌ای علیه‌همه را به خود ایران بدهد. در چنین سناریویی نه تنها تنگه هرمز بلکه تجارت نفت در ری‌سرخ نیز به‌طور کامل تعطیل خواهد شد و اگر این وضعیت تشدید شود، ممکن است آسیب‌هایی به تأسیسات نفتی در سراسر منطقه وارد شود که می‌تواند آنها را برای ۳ تا ۴ سال دیگر از کار ببرداند.

فراخوان

شرکت مخابرات ایران – منطقه تهران

اداره کل پشتیبانی و تدارکات

شرکت مخابرات ایران - منطقه تهران در نظر دارد تأمین خدمات خدماتی، بهداشتی و پزشکی مطب مستقر در ساختمان شاهد خود را به افراد واجد شرایط واگذار نماید. جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت شرکت مخابرات ایران- منطقه تهران به نشانی www.mta.ir مراجعه فرمایید.

روابط عمومی شرکت مخابرات ایران- منطقه تهران

نصر افزود: بنابراین خواسته اصلی آنها بسیار کمتر از فهرستی است که منتشر کرده‌اند.